

پنجاهمین سالگرد کودتای 28 مرداد 1332

در تاریخ معاصر ایران بعد از انقلاب مشروطیت، سه بار کودتای نظامی رخ داده که در هر سه مورد خانواده پهلوی و متحدین آن ها نقش داشته اند. کودتای اسفند 1299 که منجر به قدرت گیری رضا خان شد، کودتای مرداد 1332 که سبب سقوط دولت دکتر مصدق و بازگشت محمد رضا پهلوی به کشور شد و کودتای ناکام "نورژه" (بعد از انقلاب 57) که قصد داشت با تکیه بر بخشی از ارتش، موجبات احیای رژیم آمریکایی پهلوی را فراهم کند. در واقع خاندان پهلوی بجای استقاده از ساز و کارهای سیاسی، همواره با تکیه بر توطئه های نظامی و در مشارکت با محافل امپریالیستی، در صدد رسیدن به قدرت و یا حفظ آن بوده است. اکنون نیز که اپوزیسیون سلطنت طلب، داعیه دموکراسی خواهی و مبارزه با استبداد سیاسی_ مذهبی جمهوری اسلامی دارند، باز بدشان نمی آید که به کمک بیگانگان، با جنگ یا کودتا، مجدداً بساط حکومت موروثی و ارتجاع اشرافی را بر ایران حاکم کنند. نیرویی که بجای تکیه بر مردم و جنبش مستقل آن ها، همواره برای رسیدن به نیات قدرت طلبانه خود از روش های ضد دموکراتیک و توطئه گرانه نظیر کودتا و جلب دخالت اطلاعاتی و نظامی خارجی بهره میجوید، حتی اگر هزار بار فریاد آزادی خواهی و دمکرات شدن سر دهد، ماهیتاً ضد دموکراتیک و ارتجاعی است. بویژه که هر دو کودتای پیروز این خاندان، در تضادی آشکار با دستاوردهای امروز جنبش مردمی قرار داشتند.

رضا خان با کودتای 1299 دستاوردهای انقلاب مشروطیت را نابود کرد و با پهن کردن بساط یک دیکتاتوری عنان گسیخته، مجلس مشروطه را نیز به یک نهاد فرمایشی و مطیع مبدل ساخت. به همین دلیل در طول دو دهه حکم رانی رضا خان، جامعه ایران هیچگاه مزه آزادی و حتی یک دموکراسی نیم بند را هم نچشید. کودتای 1332 نیز ضمن نمد مالی کردن فضای سیاسی باز و نسبتاً دموکراتیک دوران نخست وزیری دکتر مصدق، هم اختناق را به اوج رساند و هم وابستگی خفت بار به امپریالیست ها را تعمیق داد. فضای جهنمی که بعد از شکل گیری ساواک در 1337 عرصه را برای هر مخالف و ناراضی تنگ تر نمود. بنابراین در پنجاهمین سالگرد رخداد شوم 28 مرداد مردم جویای آزادی و رهایی حق دارند که محکم یقه اپوزیسیون سلطنت طلب و مشخصاً مدعی تاج و تخت (رضا پهلوی) را بگیرند و بانگ زنند که اگر خاندان شما آزادی و دموکراسی و "مشروطه" می خواست، دولت ملی مصدق را سرنگون نمی کرد. این حضرات حتی امروز نیز که "گفتمان دموکراسی خواهی" به یک چالش غیر قابل انکار تبدیل شده، باز حاضر نیستند برای فریب مردم هم که شده، آن رخ داد شوم (که حداقل نیم قرن، ایران را به عقب برد) را محکوم کرده و از مردم تشنه آزادی، رسماً عذر بخواهند! آنها اما نه تنها از انجام آن کودتای سیاه شرمنده نیستند، بلکه حاضرند برای رسیدن به مطامع خود هزار بار دیگر آنرا تکرار کنند.

متأسفانه در آن روزهای بحرانی، اقلیتی از جامعه (مثلاً شوم: دربار، امپریالیسم و روحانیت) دست در دست یکدیگر به کمک ارتش و اوباشانی چون "شعبان بی مخ" با بهره گیری از فقدان آمادگی مردم در شهر ها، ضعف آگاهی دهقانان (که اکثریت جمعیت را تشکیل میدادند) و ناتوانی خیره کننده دو نیروی سیاسی اصلی آن دوره یعنی جبهه ملی و حزب توده در سازماندهی مقاومت مسلحانه در برابر کودتاجیان،

توانستند به راحتی پیروز شوند. بخش اعظم جبهه ملی و از جمله خود مصدق بدلیل سیاست های مماشات طلبانه خویش، علیرغم در دست داشتن دولت و مجلس، نتوانستند تدابیر پیش گیرانه لازم را جهت بر هم زدن توطئه های پنهانی در بار سازمان دهند. سهم حزب توده نیز که فقط در تهران 6 هزار عضو داشت که صدها تن از آنها را افسران ارتش و شهربانی تشکیل میدادند، کمتر از رهبران جبهه ملی نبود، بویژه به این خاطر که حزب مذکور به لحاظ امکانات نظامی و تسلیحاتی، توانایی تسلیح مردم و به عقب راندن اقلیت کودتاچی را داشت. به هر رو آن واقعه شوم رخ داد و شانس کشور ما را برای برخورداری از ابتدایی ترین مبانی حقوق بشر و آزادیهای مدنی سوزاند و استبدادی نفس گیر را بطول نیم قرن بر مردم ایران حاکم کرد. اما به رغم این فاجعه، مردم کشورمان همچنان از پیکار بی امان خود برای برخورداری از آزادی و برابری خسته نشده اند. انقلاب مشروطه شکست خورد، نهضت ملی شدن نفت شکست خورد، انقلاب عظیم 57 ناکام ماند، اما همچنان، عطش توده های تشنه آزادی فروکش نکرده است. در پنجاهمین سالگرد کودتای 28 مرداد، باخود و مردم ایران عهد ببندیم که با درس گیری از تجارب و ضعف های جنبش یکصد ساله اخیر، با چشمی باز و افقی روشن، یک لحظه از کمک به سازماندهی مردم برای رسیدن به آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و یک جمهوری حقیقتاً مردمی و مبتنی بر اراده اکثریت زحمت کش غفلت نورزیم. مثلث "شاه، شیخ، سیا"، مجری و حامی و عامل آن کودتای ننگین بودند. این "ارتجاع سه ضلعی" نیم قرن بعد، همچنان خصم اصلی مردم ایران برای دستیابی به حقوق شهروندی و سازمانیابی قدرت سیاسی توسط اکثریت عظیم برای اکثریت عظیم هستند، پس: نه شیخ، نه شاه، نه سیا!

زنده باد انقلاب توده ها!

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
24 مرداد 82